

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۳۰ سپتمبر ۲۰۱۸

"گلبدین" و به اصطلاح "علمای دین"

شنبه- ۰۷ میزان ۱۳۹۷- کابل: شما هم در جریان قرار دارید که از ۲ روز بدین سو، تجمع بزرگی از به اصطلاح "علمای دین" در افغانستان دایر و در آن هریک از قدرتمداران و آنهایی که امید رسیدن به قدرت را دارند از جمله "گلبدین" اشتراک نموده، هریک از منظر خود می خواهد پری به کلاه و دستار ملا های پلو خور بزند.

از جمله شرکت کنندگان و سخنرانان "گلبدین"، میز خطابه را ضمن آن که تا حدی به محل تصفیه حسابهای شخصی اش با این و آن مبدل نمود و باز هم تخم تفرقه و نفاق را پراکند، پری هم به دستار ملا ها زده، در حالی که خود را سخت طرفدار حقا منقاد "علمای اسلامی" معرفی می نمود، گفت: "رئیس جمهور آینده افغانستان را علمای افغانستان تعیین می نمایند". در تبصره امروز می خواهم اندکی توجه شما خوانندگان را به معنای مستقیم این جمله و علاوتاً صداقت و یا خبثت نهفته در آن را از سوی "گلبدین" براننده بسازم:

۱- نخستین و مستقیم ترین معنایی که از این جمله بر می آید، نفی "انتخابات ریاست جمهوری" به شکل کنونی و نفی به اصطلاح "قانون اساسی" است. زیرا به اساس قانون اساسی دست ساخت استعمار که فعلاً در افغانستان به آن استناد می گردد، رئیس جمهور به وسیله آرای آزاد، مستقیم و سری تمام مردم انتخاب می گردد نه چند ملا و آخوند و به اصطلاح "عالم دینی" به مثابه قیم مردم.

این تذکر شاید برای برخی ها فقط در همان حد پرزدن به دستار ملا ها مطرح می شد، هرگاه سوابق شناخت از "گلبدین" و در مجموع اخوانیت و اسلام سیاسی ما را با نمونه های مجالس "حل و عقد" و "مجلس خبرگان" و سایر نمونه های آن در قلمرو حاکمیت اسلام سیاسی آشنا نمی ساخت.

این که در عقب چنین طرز دیدی کدام برنامه عملی وجود دارد می باید با دقت مورد مطالعه قرار گیرد، چه با در نظر داشت نفوذ آرام باند "گلبدین" در شاهرگهای اساسی قدرت در دولت دست نشانده به خصوص داخل ارگ، هیچ بعید نیست که "گلبدین" بعد از یک عمل کوتائی، از ملا های پلوخور و دین فروش دعوت نماید تا وی را به آرزوی صباوتش برساند.

۲- و اما به ارتباط صادقانه بودن چنین طرز دیدی از جانب "گلبدین". تا جایی که از مطالعه تاریخ درونی اسلام سیاسی در افغانستان به خصوص ۴ دهه گذشته و صحبت آنهایی که خود این جریان را تجربه نموده اند، بر می آید در بین تمام

مدعیان اسلام سیاسی از همان آغاز تا امروز، خصمانه ترین و زشت ترین برخورد ها را با ملا ها و به اصطلاح "علمای دینی" شخص "گلبدین" داشته است.

این خصومت و دشمنی زمانی بیشتر آشکار شد که بعد از فاجعهٔ ثور ۱۳۵۷ و معلوم شدن این که سران اخوان در افغانستان به خصوص "محمد موسی شفیق" خالق و بنیانگذار "سازمان جوانان مسلمان" در زندان کشته شده اند، پای انتخاب رهبری جدید در میان آمد.

از همان زمان "گلبدین" با تکیه به یکی از جوایس کارکنندهٔ پاکستان، یعنی "مولوی تره خیل" و برخورداری از حمایت قاطع "ISI" مبارزه و سرکوب ملا های مخالف خود را رویدست گرفت. اختلافات و برادر کشی های وی با "صبغت الله مجددی" و ترور پسرش در پشاور، روابط متعلق به مولوی "خالص" و "مولوی حقانی" و بعد ها با مولوی "محمدی" و حتا سپردن تعدادی از قومندانهای آنها به روسها و شرکت در نابودی شان به وسیلهٔ روسها امریست که هرکس در افغانستان به خصوص کابل با چشم باز، گوش شنوا و ذهن بیدار زندگانی کرده باشد، حتماً از آن خبر دارد. شاید کشته شدن "مولوی شفیق الله" امر ولایتی ولایت کابل در تنظیم "حرکت انقلاب اسلامی" مربوط مولوی "محمدی" را بتوان بارز ترین نمونهٔ این "ملا ستیزی" شخص "گلبدین" تذکار داد. به همین سان مرگهای مرموز، مولوی "محمدی"، مولوی "خالص" و در این اواخر مولوی "حقانی" حلقات جداگانه ای از یک زنجیری است که اسم آن خصومت آشتی ناپذیر "گلبدین" با به اصطلاح "علمای دین" می باشد.

۳- این که بعد از چنان سابقه ای "گلبدین" به خود جرأت می دهد و در محضر به اصطلاح "علمای دین" حاضر می شود و به تکریم آنها می پردازد، خود گواه آن است که وی در صدد اجرای برنامه های شومی است، که ملا جماعت یکی از مهره های عملی آن به شمار می رود.

از آن جایی که تجربه نشان داده که دخالت آنها در سطح تعیین کنندهٔ این قشر مفت خور و زالو صفت به جز بربادی و ننگ پیامد دیگری ندارد، بر همهٔ ماست تا ضمن مبارزهٔ قاطع علیه اشغالگران و دولت دست نشانده، بدیل های احتمالی شان را نیز از آماج حملات خود دور نداریم.

سرکها ما را می طلبد!!